

رابطه افشای سرمایه فکری با نوع مالکیت و اندازه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

هدی همتی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و دانشجوی دوره دکتری حسابداری (مسئول مکاتبات)

hhemmati@riau.ac.ir

آرزو جلیلی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی و دانشجوی دوره دکتری حسابداری

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۲

چکیده

با گسترش قابلیت‌های شبکه ارتباطی، سهم دانش و اطلاعات در سطح جهانی بسیار افزایش یافته است. برای آنکه یک سازمان بتواند به فعالیت خود ادامه دهد و بقای خود را تضمین نماید، نیاز به معرفی محصولات و فرآیندهای جدید و بدیع مبتنی بر دانش جدید دارد. در نتیجه مدیریت و اندازه‌گیری و همچنین گزارشگری سرمایه فکری در سال‌های اخیر توجهات بسیاری را به خود معطوف داشته است. گزارشگری اطلاعات سرمایه فکری می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات کارآمدتر توسط مدیران، سهامداران، دولت و سایر ذینفعان گردد. هدف این پژوهش بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و ارتباط آن با نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت می‌باشد.

به منظور تعیین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری از روش تحلیل محتوا و همچنین برای بررسی رابطه بین میزان افشای اطلاعات و نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دو سال متوالی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که در سال ۸۷، سرمایه خارجی و در سال ۸۸، سرمایه انسانی بیشترین میزان افشا را داشته‌اند و رابطه معناداری بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: افشای سرمایه فکری، سرمایه انسانی، سرمایه خارجی، سرمایه داخلی، نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت.

۱- مقدمه

تغییرات اخیر در اقتصاد جهانی منجر به تمرکز فزاینده‌ای بر سرمایه فکری شده است. عواملی نظیر جهانی‌سازی، فناوری جدید، سرمایه آزاد نسبی، افزایش رقابت، تغییر در تقاضای مشتری، تقاضا برای نوآوری و ابداع، تغییرات در ساختارهای سیاسی و اقتصادی و رشد نقش دولت در حمایت از اقتصادهای مبتنی بر دانش، و روش‌های تجارت تغییر شکل داده و اهمیت سرمایه فکری و گزارشگری آن برای شرکت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد (بوکلی و کارتر، ۲۰۰۰؛ گارسیا-آیوسو، ۲۰۰۳).

سرمایه فکری به عنوان عامل مولد ارزش برای شرکت‌ها بحساب می‌آید (لین، ۱۹۹۸). امروزه افشای سرمایه فکری جهت مطلع نمودن سرمایه‌گذاران در مورد تلاش‌های شرکت در محیط اقتصادی رقابت جهانی، اهمیت یافته است. سرمایه فکری می‌تواند مشکلات نمایندگی مرتبط با افراد درون سازمانی را به دلیل استفاده از چنین اطلاعاتی برای کسب منافع و سودهای بیشتر، افزایش دهد (اسکات، ۲۰۰۰). افشای سرمایه فکری در گزارش‌های سالانه به افزایش کارایی بازار سرمایه از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و افراد درون سازمانی کمک می‌نماید. علاوه بر این، به بازار سرمایه جهت ایجاد بازار تشکیل سرمایه دقیقتر برای ترکیب منابع نیز کمک می‌کند (گوتوری و همکاران، ۱۹۹۹).

شواهد حاصل از پژوهش‌های اخیر بیانگر آن است که مدیران شرکت‌ها معتقدند که افشای سرمایه فکری، شفافیت شرکت را در بازار سرمایه افزایش داده و این شفافیت منجر به هزینه موزون سرمایه کمتر و بنابراین بازار تشکیل سرمایه وسیع‌تر می‌گردد و این امر می‌تواند به ایجاد وفاداری و اطمینان در ذینفعان شرکت کمک نماید (میر-کوایسترا و زیجسترا، ۲۰۰۱).

پژوهش‌های پیشین بسیاری حاکی از آن است که افشاء و گزارشگری مناسب سرمایه فکری بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از آنجا که تاکنون دستورالعملی جهت افشای اطلاعات سرمایه فکری تدوین نشده است، افشای این گونه اطلاعات در حیطه افشای اختیاری قرار

می‌گیرد و طبق نتایج پژوهش‌های گذشته، رابطه مستقیم و مثبتی بین اندازه شرکت و حدود افشای اختیاری و داوطلبانه اطلاعات وجود دارد. علاوه بر این، نوع مالکیت سهام شرکت و وجود سهامدار نهادی نیز می‌تواند بر نحوه گزارشگری شرکت اثرگذار باشد.

هدف حسابداری، ارائه گزارش‌های حسابداری به منظور تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان برون سازمانی است. در تهیه گزارش‌های مالی باید سعی شود که کلیه اطلاعات مربوط و مهم در تصمیمات استفاده‌کنندگان به طور کامل و قابل اتکا و با رعایت قابلیت مقایسه و فهم، افشا شود. با توجه به مسایل مطرح شده، این پژوهش به دنبال آن است که به بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری در گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به نوع مالکیت سهام و اندازه شرکت بپردازد. نتایج حاصل از این بررسی می‌تواند در تدوین آیین‌نامه‌های افشای سرمایه فکری به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و تدوین‌کنندگان استانداردها کمک نماید.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

سرمایه فکری دربرگیرنده همه فرآیندها و دارایی‌هایی است که بطور معمول و سنتی در ترازنامه منعکس نمی‌شود و دربرگیرنده آن گروه از دارایی‌های نامشهود مانند علائم تجاری و حق امتیازها و ... می‌باشد که روش‌های حسابداری مدرن آنها را مد نظر قرار می‌دهد (روس و همکاران، ۱۹۹۷). برخی از محققان سرمایه فکری را بصورت شایستگی‌های یک شرکت در نظر گرفته‌اند که این شایستگی‌ها عمدتاً با تجربه و تخصص افراد داخل یک سازمان مرتبط است. در واقع این دانش و تجربه افراد داخل شرکت است که می‌تواند ارزش ایجاد کند و این کار از طریق فرایندهای مبادله دانش و خلق دانش جدید صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که این شایستگی‌ها فقط بوسیله افراد در داخل سازمان ایجاد نمی‌شود؛ بلکه گاهی اوقات بواسطه محیطی که سازمان در آن قرار دارد، خلق می‌شود. به

جهت تعیین میزان گزارشگری سرمایه فکری در گزارشهای سالانه مورد بررسی قرار داده است. وی ارزش های بازار و دفتری شرکتها را با یکدیگر مقایسه نموده و تحلیل محتوا را برای آنها اجرا نمود. به استثنای ۲ شرکت از بین ۱۱ شرکت مورد بررسی، بین ارزش بازار و ارزش دفتری شرکتها تفاوت با اهمیتی مشخص شد که نشان دهنده آن است که شرکت‌های دانش محور ایرلندی دارای سطح ارزشمندی از دارایی های غیرفیزیکی، نامشهود و سرمایه فکری هستند و سطح افشای مشخصه های سرمایه فکری در شرکت‌های مورد بررسی پایین بوده است.

آبی سکرا و گوتری (۲۰۰۵) گزارشات سالانه ۳۰ شرکت برتر بورس اوراق بهادار کلمبو (سريلانکا) را در دو دوره با استفاده از تحلیل محتوا بررسی نمودند. یافته‌ها بیانگر آن است که بیشترین گروه سرمایه فکری گزارش شده طی این دوره سرمایه خارجی و در مرحله بعد سرمایه انسانی می‌باشد. افزایشی در تکرار وقوع گزارشگری سرمایه فکری طی دو سال متوالی وجود داشته که این روند رو به افزایش با استفاده از اقتصاد سیاسی و تئوری حسابداری تشریح و توجیه شده است (آبی سکرا و گوتری، ۲۰۰۵).

گوتری و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود به بررسی افشای داوطلبانه اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس استرالیا و هنگ کنگ برای ارزیابی اثرات اندازه، صنعت و زمان بر سطح افشای سرمایه فکری پرداختند. این پژوهش در دو مرحله اجرا شده که مرحله دوم آن بر مبنای داده‌های سال ۲۰۰۲، ۵۰ شرکت استرالیایی و ۱۰۰ شرکت هنگ کنگی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که سطح افشای اختیاری و داوطلبانه سرمایه فکری در هر دو کشور پایین و بیشتر در قالب اطلاعات کیفی به جای کمی بوده، و سطح افشا بطور مستقیم با اندازه شرکت مرتبط می‌باشد.

آبی سکرا (۲۰۰۷) در پژوهش خود روش‌های گزارشگری سرمایه فکری در بین شرکت‌های بزرگ پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سريلانکا را بررسی نموده است. هدف پژوهش وی مشخص نمودن تفاوت

عنوان نمونه می‌توان به شبکه همکاری بین شرکتها در یک منطقه خاص اشاره داشت.

طبق تعریف آبی سکرا و گوتری (۲۰۰۲) گزارشگری سرمایه فکری عبارت است از: «گزارشگری خارجی به منظور مواجه شدن با نیازهای اطلاعاتی معمول استفاده‌کنندگان که قادر به درخواست تهیه گزارش‌های سفارشی و خاص مرتبط با سرمایه فکری برای برآورده نمودن نیازهای اطلاعاتی آنها نمی‌باشند.» (آبی سکرا و گوتری، ۲۰۰۲). افشای داوطلبانه سرمایه فکری، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان را قادر می‌سازد تا توانایی‌ها و قابلیت‌های آتی ایجاد ثروت شرکت را بهتر ارزیابی نمایند، این امر ارزیابی دقیقتری از شرکت را به دنبال داشته و ریسک مورد انتظار را کاهش می‌دهد (ادوینسون و مالون، ۱۹۹۷).

گوتری و پتی (۲۰۰۰) گزارشهای سالانه ۲۰ شرکت استرالیایی را با استفاده از تحلیل محتوا مورد بررسی قرار دادند. گزارشهای ۱۹ شرکت استرالیایی و همچنین یک شرکت الگو که در گزارشگری سرمایه فکری فعال می‌باشد، برای تعیین حدود گزارشگری سرمایه فکری بررسی گردید. آنها میزان گزارشگری سرمایه فکری را بر اساس محاسبه تعداد تکرار مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. در پژوهش آنها از چارچوب توسعه یافته توسط سویبی (۱۹۹۷) که سرمایه فکری را به سه جزء ساختار داخلی، ساختار خارجی و صلاحیت و شایستگی کارکنان (سرمایه انسانی) طبقه بندی می‌نماید، استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده مشخص گردید که میزان گزارشگری سرمایه خارجی ۴۰ درصد، سرمایه داخلی ۳۰ درصد و سرمایه انسانی ۳۰ درصد می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در گزارش‌های سالانه شرکت‌های استرالیایی، عناصر سرمایه فکری بصورت ضعیفی شناسایی شده، بصورت نامناسبی مشخص شده و بصورت ناکارآمدی مدیریت شده و بطور متناقضی گزارش می‌گردد و بطور کلی شرکتها چارچوب مشخصی برای گزارشگری سرمایه فکری ندارند (گوتری و پتی، ۲۰۰۰).

برنان (۲۰۰۱) در پژوهش خود ۱۱ شرکت دانش محور پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایرلند را

می‌شوند. نتایج پژوهش وی تفاوت‌های افشای سرمایه فکری بین شرکت‌های سریلانکا و سنگاپور را مشخص نموده و بیان می‌کند که این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت در نگرش کشورهاست، و نیاز به ارائه روش‌شناسی یکنواخت در چارچوب افشای سرمایه فکری برای اجرای رویه‌های یکنواخت افشا را بیان نموده است (آبی سکر، ۲۰۰۸).

استریوکوا و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود به بررسی رویه‌های گزارشگری سرمایه فکری در چهار صنعت (نرم‌افزار و ICT، دارویی و بیوتکنولوژی، خرده‌فروشی، املاک و خدمات عمومی) پرداختند. یافته‌های آنها بیانگر تفاوت‌های مهم بین عناصر سرمایه فکری گزارش شده در صنایع مطالعه شده، می‌باشد (استریوکوا و همکاران، ۲۰۰۸).

وایتینگ و میلر (۲۰۰۸) حدود و نوع افشای داوطلبانه سرمایه فکری در نیوزلند را تشریح نموده و ارتباط بین ارزش مخفی (تفاوت ارزش بازار و دفتری شرکت) با افشای داوطلبانه سرمایه فکری در گزارشات سالانه را بررسی و آزمون نمودند. نتایج ارزیابی شرکتها بیانگر آن است که ارتباط مثبت با اهمیتی بین سطوح ارزش مخفی و افشای داوطلبانه اطلاعات سرمایه فکری و ساختار داخلی و خارجی وجود دارد.

خلاصه نتایج بدست آمده بر اساس پژوهش‌های انجام شده متعدد در خصوص میزان افشای هر یک از گروه‌های سرمایه فکری به شرح جدول (۱) می‌باشد. بر اساس بررسی‌های بعمل آمده، پژوهشی در مورد میزان گزارشگری سرمایه فکری در ایران یافت نشده است.

روش‌های گزارشگری سرمایه فکری بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته (استرالیا) می‌باشد. نمونه مورد بررسی وی، ۳۰ شرکت بزرگ پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کلمبو در سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۹ و ۱۹۹۹-۲۰۰۰ است. سپس نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش مشابه که در استرالیا در سالهای مشابه صورت گرفته، مورد مقایسه قرار گرفت. بر اساس نتایج بدست آمده وی، نیاز به تعریف گزارشگری سرمایه فکری یکنواخت و چارچوب گزارشگری قابل مقایسه و دارای ثبات رویه توسط رهنمودهای سازمان‌های قانونگذار بیان شده است. تفاوت‌های گزارشگری سرمایه فکری بین شرکت‌های استرالیایی و سریلانکایی می‌تواند از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نشأت گیرد (آبی سکر، ۲۰۰۷).

دومی و تول (۲۰۰۷) در پژوهش خود مزایای گزارشگری سرمایه فکری را برای سهامداران خارجی بررسی نمودند. نتایج آنها بیانگر آن است که افشای اجزای سرمایه فکری در اطلاعیه‌های شرکت، می‌تواند بر بازده غیر نرمال اضافی قیمت سهم شرکت اثرگذار باشد و بازار برای افشای اجزای سرمایه داخلی بسیار مشتاق می‌باشد.

آبی سکر (۲۰۰۸) در پژوهشی دیگر به بررسی رویه‌های افشای سرمایه فکری و تفاوت‌های افشای آن در بین شرکت‌های کشور سریلانکا و سنگاپور با استفاده از روش تحلیل محتوا و تعیین روند افشای اطلاعات سرمایه فکری در گزارش‌های مالی طی سال‌ها ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج آزمونهای اجرا شده نشان می‌دهد که در سنگاپور، سرمایه انسانی و در سریلانکا، سرمایه خارجی نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر افشا

جدول ۱: درصد افشای هر یک از گروه‌های سرمایه فکری در پژوهش‌های پیشین (منبع: آبی سکر، ۲۰۰۸؛ وایتینگ و میلر، ۲۰۰۸)

نام محقق	کشور مورد مطالعه	سرمایه خارجی %	سرمایه داخلی %	سرمایه انسانی %
گوتتری و پتی (۲۰۰۰)	استرالیا	۴۰	۳۰	۳۰
برنان (۲۰۰۱)	ایرلند	۴۰	۳۰	۳۰
آپریل و همکاران (۲۰۰۳)	آفریقای جنوبی	۴۰	۳۰	۳۰
بوزولان و همکاران (۲۰۰۳)	ایتالیا	۴۹	۳۰	۲۱
گوه و لیم (۲۰۰۴)	مالزی	۴۱	۳۷	۲۲

نام محقق	کشور مورد مطالعه	سرمایه خارجی %	سرمایه داخلی %	سرمایه انسانی %
آبی سکرا و گوتری (۲۰۰۵)	سریلانکا	۴۴	۲۰	۳۶
الیوراس و کاسپرسکایا (۲۰۰۵)	اسپانیا	۵۱	۲۸	۲۱
سیترون و همکاران (۲۰۰۵)	انگلیس	۶۰	۲۶	۱۴
واندامیل و همکاران (۲۰۰۵)	هلند	۴۰	۳۱	۲۹
واندامیل و همکاران (۲۰۰۵)	سوئد	۳۸	۲۸	۳۴
واندامیل و همکاران (۲۰۰۵)	انگلیس	۴۲	۳۰	۲۸
الیوریا و همکاران (۲۰۰۶)	پرتغال	۴۸	۲۵	۲۷
استین کمپ (۲۰۰۷)	نیوزلند	۳۶	۱۱	۵۳
سوجان و آبی سکرا (۲۰۰۷)	استرالیا	۴۸	۳۱	۲۱

۳- فرضیه های تحقیق

- در گزارشات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اطلاعات مرتبط با اجزای سرمایه فکری افشا می‌گردد.
- بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری با نوع مالکیت سهام (اکثریت و اقلیت) شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری با اندازه شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

۴- متغیرهای تحقیق

میزان افشای سرمایه فکری متغیر مستقل
 پژوهش می‌باشد. برای تعیین میزان افشای سرمایه فکری در گزارش‌های سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. از بین روش‌های در دسترس محققان که به دنبال بررسی و شناخت گزارشگری سرمایه فکری هستند، روش تحلیل محتوا رایج‌تر و پرتعدادتر است. این روش ابتدا در متون حسابداری زیست محیطی مطرح شده، ولی با بررسی انجام شده مشخص گردید که می‌توان از این روش در بررسی افشای داوطلبانه اطلاعات سرمایه فکری در گزارش‌های سالانه سازمان‌های متفاوت استفاده کرد (گوتری و همکاران، ۲۰۰۴).

برای بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری از چارچوب کدگذاری شده ارائه شده در پژوهش‌های پیشین استفاده شده که شامل سه گروه سرمایه انسانی،

داخلی و خارجی می‌باشد و این چارچوب بر اساس پژوهش گوتری و پتی (۲۰۰۰) و آبی سکرا (۲۰۰۱) و (۲۰۰۷) و ... ارائه شده است. از آنجایی که داده‌ها در چارچوب کدگذاری، تشریحی است برای دقت بخشیدن به تفسیر داده‌ها، اقلام سرمایه فکری به زیرگروه‌های متعدد در سه گروه سرمایه فکری (شامل سرمایه انسانی، داخلی و خارجی) طبقه‌بندی می‌شود.

سرمایه انسانی به ۷ زیر گروه دسته بندی می‌شود: آموزش و توسعه (شامل دانش فنی، شرایط و صلاحیت‌های حرفه‌ای و شغلی، برنامه‌های آموزش و توسعه و پیشرفت حرفه)؛ مهارت‌های کارآفرینی؛ موارد موضوعات مرتبط با انصاف و یکسان نگری (شامل موارد مرتبط با مذهب، جنسیت، ناتوانی‌ها (معلولیت‌ها) و نقاط ضعف و نژاد)؛ امنیت کارکنان؛ روابط کارکنان (شامل فعالیت اتحادیه، تشکر و قدردانی از کارکنان، برجسته نمودن کارکنان در گزارش‌ها و درگیر نمودن کارکنان در اجتماع)؛ رفاه کارکنان (شامل برنامه‌های پاداش کارکنان و مدیران اجرایی، منافع کارکنان، سهم متعلق به کارکنان، و برنامه‌های حق اختیار مالکیت)؛ و مقادیر مرتبط با کارکنان (شامل ارزش افزوده ایجاد شده توسط کارکنان و مدیران اجرایی، تعداد کارکنان، تجربه حرفه‌ای، سطوح تحصیلات، مدت خدمت کارکنان و سن).

سرمایه داخلی به ۵ زیر گروه دسته بندی می‌شود: فرآیندها (شامل فرآیندهای مدیریت و تکنولوژیکی)؛ سیستم‌ها (شامل سیستم‌های اطلاعاتی و سیستم‌های شبکه ارتباطی)؛ فلسفه و فرهنگ (شامل فلسفه و

در پایان سال مالی به عنوان اندازه شرکت محاسبه می‌شود.

نوع مالکیت سهام: سهامداران جزء نسبت به سهامداران عمده دسترسی کمتری به اطلاعات شرکت می‌شود. شواهد تجربی بیان می‌نمایند که گزارش‌های سالانه، این فرصت را برای شرکتها ایجاد می‌نماید تا روابط خود را با سرمایه‌گذاران و سهامداران از طریق گزارشگری فراتر از اطلاعات مالی، توسعه بخشند (کامرون و گوتری، ۱۹۹۳). سهامداران عمده و نهادی با توجه به میزان اثرگذاری خود در تصمیمات شرکت، قادر به تعیین رویه‌های افشای اطلاعات در گزارش‌های مالی هستند و می‌توانند با محدود کردن رویه‌های افشا، نحوه افشای اطلاعات سرمایه‌فکری را مدیریت و کنترل نمایند تا با در اختیار داشتن این اطلاعات به صورت محرمانه، بتوانند از این اطلاعات در معاملات و برای حفظ منافع خود استفاده نمایند. حال با در نظر گرفتن میزان درصد سهامداران نهادی (شرکت‌های دولتی و یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری) و یا مالکیت عمده به دنبال بررسی این موضوع هستیم که آیا آنها می‌توانند میزان افشای اطلاعات سرمایه‌فکری را محدود نمایند. درصد سهامداران نهادی و یا مالکیت عمده بر اساس میزان درصد سهام در اختیار آنها که در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی ارائه می‌شوند، در نظر گرفته شده است.

۵- روش‌شناسی تحقیق

اطلاعات مورد نیاز پژوهش از اطلاعات واقعی شرکت‌ها موجود در لوح فشرده اطلاعات منتشر شده توسط بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده و از نرم‌افزارهای SPSS و EXCEL جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول پژوهش، از میزان درصد افشای هر یک از اجزای عناصر سرمایه‌فکری نسبت به کل افشاهای صورت گرفته در گزارش‌های مالی شرکت‌های مورد رسیدگی، و همچنین برای آزمون فرضیه دوم و سوم پژوهش از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

فرهنگ سازمان؛) اموال فکری (شامل حق امتیاز، حق انتشار و نام تجاری)؛ و روابط مالی (شامل روابط مساعد و نامساعد مالی با سایر موسسات).

سرمایه خارجی به ۵ زیر گروه دسته بندی می‌شود: ساختار نشان تجاری (شامل مارک و نشان تجاری، رضایت مشتری، استانداردهای کیفیت و اقلام سرمایه فکری)؛ ساختار نماد شرکت (شامل نام شرکت و قراردادهای مساعد)؛ شریک تجاری (شامل همکاری تجاری، توافق‌نامه‌های مرتبط با گواهی‌نامه و اجازه رسمی و پروانه ساخت، و قراردادهای فرانسیز و امتیاز)؛ کانال‌های توزیع؛ و سهم بازار.

بر اساس شمارش تکرار موارد افشای هر کدام از متغیرهای مورد اشاره گروه‌های فوق، هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی، می‌توان به میزان و درصد افشای اطلاعات سرمایه‌فکری و اهمیت هر یک از اجزا به طور جداگانه پی برد. برای کنترل صحت اطلاعات، این شمارش، دو بار و توسط دو فرد به طور جداگانه اجرا گردید (آبی سکرا، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۷). در این پژوهش اطلاعات سرمایه‌فکری بر اساس تجزیه و تحلیل گزارش‌های سالانه (شامل صورت‌های مالی و گزارش هیات مدیره) شرکت‌ها به صورت جداگانه برای دو سال متوالی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ کدگذاری شده است. متغیرهای وابسته پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت از شاخص‌های متفاوتی (مانند جمع دارایی‌ها، جمع فروش، ارزش بازار شرکت، تعداد کارکنان) به عنوان یک عامل مهم در تعیین حدود گزارشگری داوطلبانه استفاده می‌شود (گری و همکاران، ۱۹۹۵؛ کریکمن و هوپ، ۱۹۹۲). پژوهش‌های بسیاری رابطه مستقیم و مثبت بین اندازه شرکت و حدود افشای اختیاری و داوطلبانه اطلاعات را اثبات کرده‌اند (بوتوسان، ۱۹۹۷). گوتری (۱۹۹۹) بیان می‌کند که شرکت‌های بزرگتر با احتمال بیشتر برای کاهش هزینه‌های سیاسی خود، سرمایه‌فکری خود را بیشتر افشا می‌نمایند. بر اساس پژوهش‌های پیشین (الیوریا و همکاران، ۲۰۱۰؛ آبی سکرا و گوتری، ۲۰۰۵) لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها

(۲۲.۵٪) را به خود اختصاص داده است. در سال ۸۸ نیز سرمایه انسانی بیشترین میزان افشا (۳۹.۹٪)، و سرمایه داخلی کمترین میزان افشا (۲۲٪) را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس روند میزان افشای هر یک از اجزای سرمایه فکری می‌توان این گونه بیان کرد که درصد افشای سرمایه انسانی طی دو سال مورد بررسی افزایش داشته، در مقابل میزان افشای سرمایه خارجی با کاهش همراه بوده و در میزان افشای سرمایه داخلی تغییر محسوسی رخ نداده است. لازم به ذکر است که درصد تغییرات طی دو سال اندک می‌باشد.

در طبقه سرمایه انسانی، رفاه کارکنان بیشترین مقدار افشا را دارد که شامل متغیرهایی نظیر پاداش کارکنان و مدیران اجرایی، منافع کارکنان و سهم متعلق به آنان می‌باشد که طبق بررسی بعمل آمده، بیشتر در قالب اعداد کمی بر حسب واحد پول به صورت حقوق، مزایا و پاداش پرداختی به کارکنان و مدیران ارائه شده است. مقادیر مرتبط با کارکنان در درجه قرار دارد که بیشترین اطلاعات افشا شده در این زمینه مرتبط با تعداد کارکنان، سطح تحصیلات و تجربه حرفه‌ای کارکنان می‌باشد و بیشتر به صورت توصیفی و کیفی ارائه شده است. عدالت و انصاف نیز شامل موارد مرتبط با مذهب، ناتوانی‌ها و معلولیت‌ها و نژاد و ملیت و غیره می‌باشد که در این خصوص اطلاعاتی در گزارش‌های مورد بررسی افشا نشده است. در طبقه سرمایه داخلی، اموال فکری بیشترین مقدار افشا را دارد که شامل متغیرهایی نظیر حق امتیاز، حق انتشار و نام تجاری می‌باشد که طبق بررسی بعمل آمده، بیشتر در قالب اعداد کمی بر حسب واحد پول به صورت حق امتیازهای شرکت ارائه شده است. در این طبقه در خصوص کمترین میزان افشا نتایج یکسان نمی‌باشد.

جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دو سال مالی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ می‌باشد. شرکت‌های نمونه مورد بررسی، بر اساس ویژگی‌های زیر انتخاب گردید:

(۱) در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ فعالیت مستمر داشته‌اند.

(۲) جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و موسسات مالی نباشند.

(۳) سال مالی شرکتها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

(۴) طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸ تغییر سال مالی نداشته باشد.

در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران در جوامع محدود استفاده شد و طبق فرمول مذکور، ۵۰ شرکت به طور خوشه‌ای تصادفی به عنوان شرکت‌های مورد مطالعه برگزیده شدند.

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۶-۱- فرضیه اول

بر اساس بررسی و تحلیل محتوای گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، میزان افشای اطلاعات هر یک از اجزای سرمایه فکری؛ به شرح جدول (۲) است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در گزارش هیأت مدیره نسبت به صورتهای مالی اطلاعات سرمایه فکری به میزان بیشتری افشا شده و این افشا بیشتر در قالب اطلاعات کیفی صورت گرفته است. همچنین می‌توان گفت که طی دو سال متوالی مورد بررسی، تعداد دفعات گزارش اجزای سرمایه فکری در گزارش‌های مالی شرکت‌ها افزایش داشته و این امر می‌تواند بیانگر درک اهمیت سرمایه فکری توسط شرکت‌ها باشد. با توجه به درصد محاسبه شده افشای هر یک از اجزای سرمایه فکری در سال ۸۷، سرمایه خارجی بیشترین میزان افشا را با ۴۰.۷٪ داشته و سرمایه داخلی نیز کمترین میزان افشا

جدول ۲: تعداد و دفعات افشا و درصد هر یک از اجزای سرمایه فکری بر حسب نوع گزارش مالی

سال ۸۸				سال ۸۷				نوع گزارش
جمع سرمایه فکری)	سرمایه خارجی	سرمایه داخلی	سرمایه انسانی	جمع سرمایه فکری)	سرمایه خارجی	سرمایه داخلی	سرمایه انسانی	
۷۴۰	۲۵۰ (٪۳۳.۸)	۱۱۷ (٪۱۵.۸)	۳۷۳ (٪۵۰.۴)	۷۳۸	۲۴۸ (٪۳۳.۶)	۱۱۶ (٪۱۵.۷)	۳۷۴ (٪۵۰.۷)	صورت‌های مالی
۱۳۳۹	۵۴۲ (٪۴۰.۵)	۳۴۰ (٪۲۵.۴)	۴۵۷ (٪۳۴.۱)	۱۲۰۲	۵۴۱ (٪۴۵)	۳۲۱ (٪۲۶.۷)	۳۴۰ (٪۲۸.۳)	گزارش هیأت مدیره
۲۰۷۹	۷۹۲ (٪۳۸.۱)	۴۵۷ (٪۲۲)	۸۳۰ (٪۳۹.۹)	۱۹۴۰	۷۸۹ (٪۴۰.۷)	۴۳۷ (٪۲۲.۵)	۷۱۴ (٪۳۶.۸)	گزارش‌های مالی (مجموع گزارش‌ها)

در سال ۸۷، فلسفه و فرهنگ سازمان کمترین مقدار افشا را داشته و به مأموریت، هدف سازمانی و فرهنگ آن کمتر توجه شده است. در سال ۸۸ نیز سیستم‌ها کمترین مقدار افشا را داشته که به سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه ارتباطی شرکت اشاره دارد. نتایج بدست آمده در خصوص افشای عناصر مرتبط با طبقه سرمایه خارجی در دو سال مورد بررسی یکسان نمی‌باشد. در سال ۸۷، شریک تجاری و در سال ۸۸، سهم بازار بیشترین افشا را داشته‌اند. شریک تجاری شامل همکاری‌های تجاری، توافق‌نامه‌های مرتبط با گواهینامه‌ها و پروانه‌های ساخت است که این اطلاعات بیشتر به صورت توصیفی ارائه شده است. سهم بازار نیز مرتبط با سهم شرکت از بازار می‌باشد و بیشتر در قالب اعداد کمی و بر حسب درصد سهم شرکت از بازار ارائه شده است. در سال ۸۷، ساختار نماد شرکت و در سال ۸۸، کانال‌های توزیع کمترین میزان افشا را به خود

در سال ۸۷، فلسفه و فرهنگ سازمان کمترین مقدار افشا را داشته و به مأموریت، هدف سازمانی و فرهنگ آن کمتر توجه شده است. در سال ۸۸ نیز سیستم‌ها کمترین مقدار افشا را داشته که به سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه ارتباطی شرکت اشاره دارد. نتایج بدست آمده در خصوص افشای عناصر مرتبط با طبقه سرمایه خارجی در دو سال مورد بررسی یکسان نمی‌باشد. در سال ۸۷، شریک تجاری و در سال ۸۸، سهم بازار بیشترین افشا را داشته‌اند. شریک تجاری شامل همکاری‌های تجاری، توافق‌نامه‌های مرتبط با گواهینامه‌ها و پروانه‌های ساخت است که این اطلاعات بیشتر به صورت توصیفی ارائه شده است. سهم بازار نیز مرتبط با سهم شرکت از بازار می‌باشد و بیشتر در قالب اعداد کمی و بر حسب درصد سهم شرکت از بازار ارائه شده است. در سال ۸۷، ساختار نماد شرکت و در سال ۸۸، کانال‌های توزیع کمترین میزان افشا را به خود

۶-۲- فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه فوق به منظور تعیین معنی‌داری همبستگی بین متغیرها، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس جدول (۳) همبستگی بین افشای اطلاعات سرمایه فکری با درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی ۰/۲۰۲ می‌باشد و مقدار آن در سطح معنی‌داری مورد قبول (خطای کمتر از ۰/۰۵) قرار دارد. پس می‌توان فرض وجود رابطه معنی‌دار بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌ها با نوع مالکیت سهام (اکثریت و اقلیت) شرکت را پذیرفت.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون رابطه بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و نوع مالکیت سهام

آزمون	متغیر	آماره آزمون	INST	disclose
Spearman's rho	INST	Correlation Coefficient	1.000	.202*
		Sig. (2-tailed)	.	.041
		N	25	25
	disclose	Correlation Coefficient	.202*	1.000
		Sig. (2-tailed)	.041	.
		N	25	25

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

۶-۳- فرضیه سوم

تعداد دفعات افشا و همچنین درصد افشای اطلاعات مرتبط با سرمایه فکری به تفکیک اندازه شرکت در نمونه مورد بررسی در جدول (۴) نشان داده شده است. با توجه به نتایج فوق می‌توان گفت که افشای اطلاعات مرتبط با سرمایه فکری در شرکت‌های بزرگ بیشتر از شرکت‌های کوچک صورت گرفته است و این امر نتایج و پیش‌بینی‌های پژوهش‌های پیشین را نیز تایید می‌نماید. شایان ذکر است که میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری توسط شرکت‌های کوچک طی دو سال متوالی افزایش داشته است. برای آزمون این فرضیه به منظور تعیین معناداری همبستگی بین متغیرها نیز از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

بر اساس نتایج جدول (۵) همبستگی بین افشای اطلاعات سرمایه فکری با اندازه شرکت‌های کوچک

۰/۱۲۵ می‌باشد و مقدار آن در سطح معنی‌داری مورد قبول (خطای کمتر از ۰/۰۵) قرار دارد و می‌توان فرض وجود رابطه معنی‌دار بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌ها با اندازه شرکت را پذیرفت. همچنین همبستگی بین افشای اطلاعات سرمایه فکری با اندازه شرکت‌های بزرگ ۰/۰۷ می‌باشد و مقدار آن در سطح معنی‌داری مورد قبول (خطای کمتر از ۰/۰۵) قرار دارد، پس می‌توان فرض وجود رابطه معنی‌دار بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌ها با اندازه شرکت را پذیرفت.

برای اطمینان بیشتر در مورد نتایج آزمون فوق در خصوص رابطه بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و اندازه شرکت از آزمون تعقیبی من ویتنی نیز استفاده شده است.

جدول ۴: تعداد دفعات افشا و درصد افشای سرمایه فکری بر حسب اندازه در شرکت‌های مورد بررسی

اندازه شرکت	سال ۸۷			سال ۸۸		
	تعداد شرکت مورد بررسی	تعداد دفعات افشا	درصد افشا %	تعداد شرکت مورد بررسی	تعداد دفعات افشا	درصد افشا %
بزرگ	۲۶	۱۱۳۷	۵۹	۲۶	۱۱۰۴	۵۳
کوچک	۲۵	۸۰۳	۴۱	۲۵	۹۷۵	۴۷

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون رابطه بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و اندازه شرکت

			sizsmall	disclosmall	sizelarg	disclolarg
Spearman's rho	sizsmall	Correlation Coefficient	1.000	.125	.875**	-.134
		Sig. (2-tailed)	.	3۰۴.	.000	.348
		N	51	51	51	51
	disclosmall	Correlation Coefficient	.125	1.000	-.001	-.002
		Sig. (2-tailed)	3۰۴.	.	.993	.987
		N	51	51	51	51
	sizelarg	Correlation Coefficient	.875**	-.001	1.000	.07
		Sig. (2-tailed)	.000	.993	.	9۳.0
		N	51	51	52	52
	disclolarg	Correlation Coefficient	-.134	-.002	.07	1.000
		Sig. (2-tailed)	.348	.987	9۳.0	.
		N	51	51	52	52

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون رابطه بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری و شرکت‌های بزرگ و کوچک

Ranks				
	group	N	Mean Rank	Sum of Ranks
disclose	1	51	44.27	2258.00
	2	52	59.58	3098.00
	Total	103		

Test Statistics^a

	disclose
Mann-Whitney U	932.000
Wilcoxon W	2.258E3
Z	-2.600
Asymp. Sig. (2-tailed)	.009

a. Grouping Variable: group

کشورهای متفاوت مرتبط با تفاوت‌های سیاسی، هنجارهای سازمانی، اقتصادی و اجتماعی، نهادها و اتحادیه‌ها و چارچوب قوانین می‌باشد. دلیل توجه بیشتر به سرمایه انسانی را می‌توان مهم بودن روابط بین کارکنان و شرکت و همچنین مهم بودن سرمایه انسانی برای شرکت به منظور بهبود مزیت رقابتی نام برد.

در آزمون فرضیه دوم، رابطه معناداری بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌ها با نوع مالکیت سهام (اکثریت و اقلیت) شرکت مشاهده گردید. در مورد این فرضیه، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. طبق نتایج بدست آمده می‌توان این گونه بیان نمود که نوع مالکیت سهام و درصد سهامداران نهادی در گزارشگری سرمایه فکری اثرگذار می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که سهامداران عمده می‌توانند رویه‌های افشای اطلاعات سرمایه فکری را بر اساس منافع خود محدود سازند.

سهامداران جزء نسبت به سهامداران عمده دسترسی کمتری به اطلاعات شرکت دارند. شواهد تجربی بیان می‌نمایند که گزارش‌های سالانه، این فرصت را برای شرکتها ایجاد می‌نماید تا روابط خود را با سرمایه‌گذاران و سهامداران از طریق گزارشگری فراتر از اطلاعات مالی، توسعه بخشند (کامرون و گوتری، ۱۹۹۳). می‌توان این گونه بیان نمود که سهامداران عمده و نهادی با توجه به میزان اثرگذاری خود در

با توجه به جدول (۶) در سطح خطای کمتر از ۵٪ و با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت که بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌های بزرگ و کوچک تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

با توجه به روند میزان افشای هر یک از اجزای سرمایه فکری می‌توان این گونه بیان کرد که درصد افشای سرمایه انسانی طی دو سال مورد بررسی افزایش داشته و در مقابل میزان افشای سرمایه خارجی با کاهش همراه بوده و در میزان افشای سرمایه داخلی تغییر محسوسی رخ نداده است. لازم به ذکر است که درصد تغییرات طی دو سال اندک می‌باشد. نتایج بدست آمده در این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در کشورهای دیگر همخوانی دارد. طبق نظر گوتری و همکارانش (۲۰۰۶) شرکتها به گزارشگری سرمایه خارجی علاقه نشان داده و شواهد نشان می‌دهد که گزارشگری سرمایه خارجی بیشتر به نفع شرکت‌های بزرگ است. این امر را می‌توان توسط تاکید بر کانال‌های توزیع دارای منطق، تغییر وضعیت زنجیره ارزش و ارزیابی مجدد ارزش مشتری از طریق مواردی مانند تحلیل سودآوری مشتری در سالهای اخیر توجیه نمود. تفاوت‌های بین نحوه گزارشگری سرمایه انسانی در

پژوهش‌های بسیاری رابطه مستقیم و مثبت بین اندازه شرکت و حدود افشای اختیاری و داوطلبانه اطلاعات را اثبات کرده‌اند (بوتوسان، ۱۹۹۷؛ دیورس، ۲۰۰۰). گوتری (۱۹۹۹) بیان می‌کند که شرکت‌های بزرگتر با احتمال بیشتر برای کاهش هزینه‌های سیاسی خود، سرمایه فکری خود را بیشتر افشا می‌نمایند.

طبق نتایج پژوهش رابطه معناداری بین افشای اطلاعات سرمایه فکری و اندازه شرکت وجود دارد و شرکت‌های بزرگتر نسبت به شرکت‌های کوچکتر، اطلاعات بیشتری را در مورد سرمایه فکری افشا نموده‌اند. در واقع می‌توان گفت افشای اطلاعات سرمایه فکری در زمره افشای داوطلبانه و اختیاری اطلاعات قرار می‌گیرد و نتایج بدست آمده مطابق با پژوهش‌های پیشین می‌باشد.

در گزارشگری سرمایه فکری، گروه‌های استفاده کننده هیچ فشاری بر شرکتها وارد نمی‌کنند ولی می‌توان گفت که به نفع شرکتهاست که چنین اطلاعاتی را به ذینفعان برای دستیابی به ارزش درک شده و در نظر گرفته شده برای شرکت، گزارش نمایند. طبق تئوری هزینه‌های سیاسی، شرکت‌های بزرگ به دلیل فشارهای سیاسی که بر آنها وجود دارد به دنبال افشای داوطلبانه و بیشتر اطلاعات هستند تا میزان هزینه‌های متحمل شده خود را از طریق این افشا کاهش دهند. نتایج پژوهش شواهدی ارائه نمود که بر اساس آن پیشنهاد می‌گردد:

مولفه‌های کلیدی سرمایه فکری به صورت ضعیفی درک، به صورت ناکافی مشخص، به صورت ناکارا مدیریت و به صورت ناهماهنگی توسط شرکتها گزارش شده‌اند. باید مراجع حرفه‌ای از جمله سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی، در مورد تعریف گزارشگری سرمایه فکری و چارچوب گزارشگری آن به توافق دست یابند. تاکید رو به فزونی شرکتها بر سرمایه فکری برای دستیابی به مزیت رقابتی نیاز به وجود رویه‌های گزارشگری سرمایه فکری قابلیت مقایسه و به موقع به منظور تصمیمات تخصیص منابع، دارد که باید مدنظر مراجع حرفه‌ای کشور قرار گیرد.

تصمیمات شرکت، قادر به تعیین رویه‌های افشای اطلاعات در گزارش‌های مالی هستند و می‌توانند با محدود کردن رویه‌های افشا، نحوه افشای اطلاعات سرمایه فکری را مدیریت و کنترل نمایند تا با در اختیار داشتن این اطلاعات به صورت محرمانه، بتوانند از این اطلاعات در معاملات و برای حفظ منافع خود استفاده نمایند. بنابراین طبق یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که نوع مالکیت سهام شرکت (درصد سهامداران نهادی) می‌تواند رویه‌های افشای اطلاعات مرتبط با سرمایه فکری را متاثر ساخته و آن را مطابق با منافع خود محدود سازد.

در آزمون فرضیه سوم، رابطه معنی‌داری بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکتها با اندازه شرکت مشاهده گردید و می‌توان گفت بین میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری شرکت‌های بزرگ و کوچک تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس اطلاعات آمار توصیفی ارائه شده در فصل چهارم، می‌توان گفت که شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک بیشتر اطلاعات مرتبط با سرمایه فکری را افشا می‌نمایند که این نتیجه مطابق با نتایج پژوهش‌های آبی سکرا و گوتری (۲۰۰۵)، گوتری و همکاران (۲۰۰۶)، استریوکوا و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد. شرکت‌هایی با بازار تشکیل سرمایه بزرگتر، اطلاعات سرمایه فکری بیشتری را نسبت به شرکت‌های کوچکتر افشا می‌نمایند.

طبق نظر گوتری و همکارانش (۲۰۰۶) شرکت‌های بزرگتر به صورت پیش فرض دارای کارکنان بیشتری بوده، از نظر سرمایه انسانی غنی هستند و انتظار می‌رود که سایر طبقه‌های سرمایه فکری آنها نیز غنی باشد.

اغلب شرکت‌های بزرگ توسط گروه‌های ذینفع خاص به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند، بنابراین رویه‌های افشای مثبت مانند افشای سرمایه فکری برای تلاش جهت حداقل نمودن هزینه‌های سیاسی شرکت پیش‌بینی می‌شود. اندازه شرکت در مورد افشای داوطلبانه اطلاعات مرتبط با سرمایه فکری به عنوان یک عامل اثرگذار با اهمیت بحساب می‌آید (آبی سکرا و گوتری، ۲۰۰۵).

- Management (ANZAM) Conference, Beach Worth, December 4-7.
- 5) Abeysekera, I. and Guthrie, J. (2005) An empirical investigation of annual reporting trends of intellectual capital in Sri Lanka, *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 16, No. 3, pp. 151-163.
 - 6) Botosan, C. A. (1997) "Disclosure level and the cost of equity capital" *The Accounting Review*, Vol.72, No.3, pp.323-349.
 - 7) Brennan, N. (2001) "Reporting Intellectual capital in annual reports: Evidence from Ireland", *Accounting, Auditing & accountability Journal*, Vol. 14, No. 4, pp. 423-436.
 - 8) Buckley, P.J. and Carter, M.J. (2000) "Knowledge management in global technology markets applying theory to practice", *Long Range Planning*, Vol.33, No. 1, pp. 55-71.
 - 9) Cameron, J. and Guthrie, J. (1993) "External annual reporting by an Australian university: changing patterns", *Financial Accountability and Management*, Vol.9, No. 1, pp. 1-13.
 - 10) Dumay, J.C. and Tull, J.A. (2007) "Intellectual capital Disclosure and price-sensitive Australian Stock Exchange announcements", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 8, No. 2, pp. 236-255.
 - 11) Edvinsson, L., Malone, M. (1997) "Intellectual capital: Realizing your companies true value by finding its hidden brainpower", 1st Edition, Harper Business, London.
 - 12) Garcia-Ayuso, M. (2003) "Intangibles: lessons from the past and a look into the future", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 4, No. 4, pp. 597-604.
 - 13) Gray, R., Kouhy, R. and Lavers, S. (1995) "Corporate social and environmental reporting: A review of the literature and a longitudinal study of UK disclosure", *Accounting, Auditing and Accountability*, Vol. 8, No. 2, pp. 47-77.
 - 14) Guthrie, J., Petty, R., Ferrier, F. and Wells, R. (1999) "There is no accounting for intellectual capital in Australia: A review of annual reporting practices and the internal measurement of intangibles", paper presented at Final Report, OECD Symposium on Measuring and Reporting Intellectual Capital, Amsterdam, August.
 - 15) Guthrie, J. and Petty, R. (2000) Intellectual capital: Australian annual reporting practices, *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 1, No. 3, pp. 241-251.
 - 16) Guthrie, J. et al. (2004) "External intellectual capital reporting: contemporary evidence
- همچنین با توجه به آنکه شناخت و استفاده بهینه از سرمایه فکری منجر به بهبود عملکرد شرکت شده و از طرفی افشای اطلاعات سرمایه فکری به تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران می‌انجامد، لازم است که شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران شناخت کافی نسبت به سرمایه فکری کسب نمایند تا بتوانند بر اساس اطلاعات مرتبط با آن، بهتر تصمیم‌گیری نمایند.
- علاوه بر این، رقابت جهانی برای بدست آوردن سرمایه، شرکت‌ها را ملزم به تقویت اطمینان سرمایه‌گذار بوسیله فعالیت‌های موافق با گزارشگری سرمایه فکری می‌نماید. لذا جهت افشای اجباری سرمایه فکری، تدوین‌کنندگان استاندارد باید مکانیزم‌هایی که شرکت‌ها را تشویق به افشای سرمایه فکری می‌نماید، اعمال نمایند و همچنین برای پژوهش‌های آتی پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
- بررسی چارچوب‌های مختلف گزارشگری سرمایه فکری و بررسی آنکه کدامیک بهتر است.
 - استفاده از سایر چارچوب‌های سرمایه فکری و بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری در قالب آن چارچوب‌ها.
 - تاثیر عملکرد سرمایه فکری بر افزایش کیفیت گزارشگری مالی.
 - بررسی تفصیلی رویه‌های افشای سرمایه فکری بین شرکت‌های کوچک و بزرگ.

فهرست منابع

- 1) Abeysekera, I. (2001) A framework to audit intellectual capital, *Journal of Knowledge Management Practice*, Vol.2, August, available at: www.tlinc.com/jkmp.htm.
- 2) Abeysekera, I. (2007) Intellectual capital reporting (ICR) between a developing and developed nation, *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 8, No. 2, pp. 329-345.
- 3) Abeysekera, I. (2008) Intellectual capital disclosure trends: Singapore and Sri Lanka, *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 9, No.4, pp. 723-737.
- 4) Abeysekera, I. and Guthrie, J. (2002) "An Updated Review of Literature on Intellectual Capital Reporting", paper presented at 16th Australian and New Zealand Academy of

- from Hong Kong and Australia”, paper presented at International IC Congress on Interpretation and Communication of Intellectual Capital, Hanken Business School, Helsinki.
- 17) Guthrie, J., Petty, R. and Ricceri, F. (2006) The voluntary reporting of Intellectual capital, Comparing evidence from Hong Kong and Australia, *Journal of Intellectual Capital*, Vol.7, No.2, pp. 254-271.
 - 18) Kirkman, P. and Hope, C. (1992) “Environmental disclosure in U.K. company annual reports” *Management Studies Research Paper Number 16/92*, June, Management Studies Group, Department of Engineering, University of Cambridge.
 - 19) Lynn, B. (1998) “The management of intellectual capital: the issues and the practice”, *Management Accounting Practices Handbook*, Issues Paper, No. 16, Society of Management Accountants of Canada – SMAC, Hamilton.
 - 20) Oliveira, L., Rodrigues, L.L. and Craig, R. (2006) “Firm-specific determinants of intangibles reporting: evidence from the Portuguese stock market”, *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol. 10, No. 1, pp. 11-33.
 - 21) Roos, J. G, Roos, G, Dragonetti, N. C., & Edvinsson, L (1997) “Intellectual capital: Navigating in the new business landscape”, Houndsmills, Basingtoke: Macmillan.
 - 22) Scott, W.R. (2000), *Financial Accounting Theory*, 2nd ed., Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ, pp. 104-110.
 - 23) Striukova, L., Unerman, J. and Guthrie, J. (2008) Corporate reporting of Intellectual capital: Evidence from UK companies, *The British Accounting Review*, Vol. 40, pp. 297-313.
 - 24) Sveiby, K, (1997) “The new organizational wealth: managing and measuring knowledge - based assets”, Barrett – Koehler, New York, NY.
 - 25) Van der Meer-Kooistra, J. and Zijlstra, S.M. (2001) “Reporting on intellectual capital”, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 14, No. 4, pp.456-476.
 - 26) Whiting, R.H. and Miller, J.C. (2008) “Voluntary Disclosure of Intellectual capital in New Zealand annual reports and the hidden value”, *Journal of Human Resource Costing and Accounting*, Vol.12, No. 1, pp. 26-50